



"استعداد خوانش"

کسی که نمی تواند کتاب بخواند، استعداد خوانش خویش را در اعتباریات و موهومات هدر داده است...

یعنی به خوانش اموری پرداخته است که اگر تفکر نماید برایش معلوم می گردد از پرداختن به آنها بهره ای نصیبش نشده است و تکاملی پیدا نکرده است و فقط هدر رفته است وجودش، اوقاتش، عمرش...

کتاب خواندن تنها از عهده ی کسانی بر می آید که در زندگی شان توجهات بی جا و بیهوده ندارند لذا روزی بر آنها نمی گذرد که تکامل پیدا نکنند در اندیشه، که بستر این تکامل کتاب است کتاب...

کتاب خوان ها جذاب ترین ها و دوست داشتنی ترین ها هستند، چرا که هر روز تر و تازه می شوند

همواره از کودکی گفتگو با انسان غیر مذهبی کتاب خوان را ترجیح داده ام به گفتگو با مذهبی غریبه با مطالعه...

راستی اگر مهم تر و کارآمدتر از "کتاب" بود، آیا نباید خالق متعال سخنانش را با آن وسیله "بیان و حفظ" می کرد؟!؟

ولی باز هم تو دوست من کتاب نمی خوانی!

نمی خوانی، مستمر و عمیق نمی خوانی، چرا که دلیلش را بیان کردم؛ "خوانش های بیهوده" داری، آن هم زیادی، از امورات بی فایده ی دور و برت، بخصوص آنچه که به وسیله "گوشی" بر ذهنت هجوم می آورد...

این خوانش های "پیر کننده" را کم تر و کم تر کن تا "مطالعات جوان کننده" و سر حال کننده در آغوشت بگیرند

کتاب خوان ها "جذاب ترین" ها هستند...